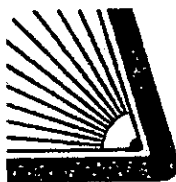


بسم الله الرحمن الرحيم

”ن و القلم و ما یسطرون“

رویای بی انتها

سادیك چم



انتشارات نظری

سرشناسه	: چم ، سادنيک / نويسنده
عنوان	: روايی بي انتها
مشخصات نشر	: تهران انتشارات نظری، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهري	: ۸۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۰۶۴-۱
فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: قطعه های ادبی - قرن ۱۴ - شعر فارسی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ م/۳۰۳ PIR
رده بندی دیوی	: ۸۶۲/۸۸
شماره کتاب شناسی ملی	: ۳۱۸۸۵۷۰



انتشارات نظری

نام کتاب: روايی بي انتها

نویسنده: سادنيک چم

ویراستار: رايوند ميساقيان

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: فرداد

طراح: شبنم نژاد

«کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص و محفوظ باشر می باشد.»

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولی عصر، خیابان سيد جمال الدين اسدآبادی

نبش خیابان فتحی شقایق، پلاک ۳۲، طبقه ۲، واحد ۱۷

تلفن: ۸۱۰۲۷۷۵ همراه: ۹۱۰۱۲۹۴۵۵

www.nashrenazari.com info@nashrenazari.com

پیام کوتاه: ۳۰۰۰۸۹۰۷۷۷۷۷۸

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

۱۸	۷ تاریخ زندگی	پیش گفتار
۱۹	۸ شب جدایی	صدایم کن
۲۰	۸ هجوم غم ها	نیایش
۲۱	۸ کدام جرم	ای فدای تو
۲۲	۸ پژمرده شدم	گنج من
۲۳	۹ دنیای آبی	طوفان دل
۲۴	۹ به من نگاه کن	آب زلال روحخانه
۲۵	۹ آزارم نده	زمین سبزه زار من
۲۶	۱۰ ویرانه	رفاقت با تو
۲۷	۱۰ جانی دوباره	آمدن تو
۲۸	تو را به چه مانند کنم	بهبانه ای برای ماندن
۲۸	۱۰ نگاهت	یک سوال
۲۹	۱۱ عشق و اندوه	پایان تلخ
۲۹	۱۱ اشک حسرت	جلاده ها
۳۰	۱۱ هستی من	بغض
۳۰	۱۱ حقیقت غصه هایم	ای همسفر
۳۱	۱۲ محکوم	در به دری
۳۲	۱۲ نیامدی	از دست رفته
۳۳	۱۲ ناله های دلم	حرمت عشق
۳۳	۱۳ مهر و محبت	جای خالی تو
۳۴	۱۳ غبار غم	دللتگم از کنایه هایت
۳۴	۱۳ شکایت	افسانه هستی ام
۳۵	۱۴ نردبان عشق	خواب دیدم
۳۵	۱۴ پرستوها	پیوند
۳۶	۱۴ رویایی دور	ویرانی دل
۳۷	۱۵ سنگ صبور	موجودیت زن
۳۸	۱۵ طعم اشک	توقع زیاد
۳۸	۱۶ بیا تا قدر هم را بدانیم	خدایا کمک کن
۳۹	۱۶ پیر شدم نیامدی	بدرود ای تنهایی
۴۰	۱۷ دللتگی	من دیوانه توام
۴۰	۱۷ سکونت چشمانت	عشق جاودانه

۶۲	چگونه عاشق باشم.....	۴۱	تمنای وصال تو.....
۶۳	عشق خریداری ندارد.....	۴۳	کوچه پس کوچه زندگی.....
۶۴	لحظات غم زده.....	۴۴	تصویر زندگی.....
۶۵	چرا؟ بگو.....	۴۴	هرگز.....
۶۶	دنیای فانی.....	۴۵	روی قلبم.....
۶۷	آتش دل.....	۴۵	قصه های مادرانه.....
۶۸	پرواز به سوی تو.....	۴۶	احساس داغ.....
۶۸	عشق واقعی.....	۴۶	ماند و بدر عزیزم.....
۶۹	لحظه های بی کسی.....	۴۷	خالق هستی.....
۶۹	فقر.....	۴۷	ناامید.....
۷۰	با تو حرف می زنم.....	۴۸	نجوای دلم.....
۷۰	غریبانه.....	۴۸	تلاش می کند.....
۷۱	سایه من.....	۴۹	خاطراتم.....
۷۱	کلامی جز یاد تو.....	۵۰	کسب تجربه.....
۷۲	دوست من.....	۵۰	من و تو.....
۷۲	امید.....	۵۱	بازیچه غم.....
۷۳	پل.....	۵۱	بی وفایی.....
۷۴	حالم را بپرس.....	۵۱	دلم شکسته.....
۷۴	خیلی زود دیر می شود.....	۵۲	گله دارم.....
۷۵	قرآن.....	۵۲	انتظار.....
۷۵	امام رضا علیه السلام می فرماید.....	۵۳	دوستت دارم.....
۷۵	خدا را می بینی؟.....	۵۳	رعد و برق.....
۷۶	خدایا مرا دریاب.....	۵۳	چوپان.....
۷۶	نشانی.....	۵۴	حضرت مسیح می گوید.....
۷۷	یک شاخه آتش.....	۵۵	گاندی می گوید.....
۷۷	رهایم نکن.....	۵۵	باهاش حرفی بزن.....
۷۸	افکار باطل.....	۵۶	خداحافظی.....
۷۹	نکته ها.....	۵۶	اقیانوس.....
۷۹	زندگی.....	۵۷	خانواده سرد.....
۸۰	امام رضا علیه السلام می فرماید.....	۵۷	دل های رنجیده.....
۸۰	به تو پناه می برم.....	۵۸	پنجره.....
۸۰	گل.....	۵۸	فاصله.....
		۵۸	پرنده خیالم.....
		۵۹	هزار راه نرفته.....
		۶۰	پاییز دل انگیز.....
		۶۱	امروز.....

قسم به عشق و قلم

پیش گفتار:

ای خالص هستی ام مرا ببخش که گاه و بی گاه دلم هوای تورا می کند.
ای تویی که همیشه با دردهایم آشنایی و خودت التیام بخش دردهایم هستی و من
باید همیشه به یاد تو باشم و به خاطر همین دست هایم را به آسمان تو بلند می کنم
تا بتوانم پر معناترین نگاه عالم را تبارت کنم.
ای خدا

تو قبله گاه هر تباری تو عمق ملکوتی تو مقصد هر پیام و کلامی. تو منظر حرمت
سکوت های شب های تنهایی منی. تو به من بگو که پنجره دلم را به روی چه کنی
بگشایم چشم هایم هنوز منتظرند ولی با شنیدن صدای چرخه به من نوید داد که
عشق یک خواب و خیال بیش نیست...

اگر شدی از قصه لعل افزای ساز کن اگر از ما به تنگ آمد دلت سوی دیارای رو
تبی در خلوت جان دارم ز چشم جهان نذار رو بویش بغیر از دل تو...

والسلام و تقدیم بر نیکوکاران عالم

«سادنیک چم»

صدایم کن...

فقط هر لحظه صدایم کن، می‌خواهم صدایت را دنبال کنم تا خیالم راحت باشد که بتوانم بیراهه را پشت سر گذارم. می‌خواهم مطمئن باشم که هر قدمی که بر می‌دارم یعنی دارم به تو نزدیک‌تر می‌شوم.

راستی! شب‌ها بیراهه‌ها مثل جاده‌ها می‌شوند. از شب‌ها می‌ترسم. نمی‌خواهم گم شوم. فانوس‌های بیش‌تری برایم روشن کن، چون می‌خواهم به تو برسم.

نیایش

تو را ستایش می‌کنم که مرا تنها نمی‌گذاری. تنهایی ... مثل راه رفتن در تاریکی و لشتن بر پله‌های سنگی است.

در حالی که رو به رو دیوار است و تنها پنجره خانه‌ات قهر کرده... تو را دوست دارم که مرا در چنین موقعیتی گرفتار نمی‌کنی....

ای فدای تو...

هرچه از نردبان دنیا بالاتر می‌روم، به خیالم به تو نزدیک‌تر می‌شوم...

غافل از آن که هنوز قدمی برنداشته‌ام از نردبان دل!

گنج من

یادم باشد که یک نقشه همراه داشته باشم، نه نقشه جغرافیایی بلکه نقشه گنج مهربانی تو که گنج دل من است، باید راه را درست یابم تا به گنجم برسم و به مهربانی‌ات!

طوفان دلم

باز دلم هوای پریدن داشت
اما ترسید باز بال بگشاید و
نغمه پرواز سردهد
چون مطمئن بود
طوفان دل تو در کمین است!

آب زلال رودخانه

دوستی در کنار رودخانه زلال، آنقدر وسیع و بزرگ است که نمی‌شود وصفش کرد.
دوستی مگر چیست؟ ... همدلی، محبت، شعر، رودخانه...
دوستی تنها یک واژه یا کلمه نیست، بلکه دوستی آیین و مکتب خاص خودش
را دارد. چه بسیار روابطی که به واسطه یک آشنایی و دوستی ساده شکل می‌گیرد
و سال‌های سال طول می‌کشد و چه بسیار هستند دوستانی که در این آیین جان
بیافته‌اند. دوستی را نه می‌شود نوشت و نه شرح داد؛ بلکه باید تجربه کرد. تجربه
دوستی با یک دوست خوب که همواره ماندگار است. بهترین اتفاق ممکن برای
آدم‌ها خواهد بود.

زمین سبزه زار من...

بیا و روی زمین سبزه زار بنشین ساعتی در کنارم تا که بشنوی باز شعرهای ابدارم را
که به رنگ آسمان است. چون دل تو همانند شیشه نازک و ترد است و زود می‌شکند...

رفاقت با تو...

خیابان شلوغ را خلوت می‌کنم با تو، دست‌هایت، را می‌گیرم و بلند بلند می‌خندم
به شوخی‌هایت
برایت بستنی می‌خرم، که ثابت کنم تا توی پارک، نگاهت نمی‌کنم و به نگاه‌های مردم
چپ، که دیوانگی است
رفاقت با تو ای تنهای مهربان من...

آمدن تو...

هر وقت تو می‌آیی دنیا وارونه می‌شه و از آسمان درخت می‌روید و از زمین ابر...
هر وقت که می‌آیی دنیا عجیب می‌شه و شگفت‌زده‌ام!...

بهانه‌ای برای ماندن

برای نماندن
بهانه‌هایت کم نیست
اما تو بمان در کنارم
چون می‌دانم بهانه‌ات چیست!؟

یک سؤال!؟

همیشه فکر و ذهنم این است...
که چرا فکر و ذهنش یک ذره با من نیست!؟...